

.....

بام بلند ہم چراغی

با آیداد در بارهٔ احمد شاملو

سعید پورعظیمی

فرهنگ نشونو
با همکاری نشر آسیم

تهران، تابستان ۱۳۹۹

فهرست

- ۱۹ • یادداشتی بر چاپ تازه
- ۲۳ • پیش درآمد
- ۲۹ • آه ای یقین یافته! بازم نمی‌نهی؟
- ۶۷ • در به درتر از باد زیستم
- ۷۹ • پای گارسه
- ۱۰۱ • سرجدتان اسمشان را نگذارید فیلم
- ۱۲۵ • از شیراز تا غرناطه
- ۱۵۷ • گلوله‌ای که به انجام کار شلیک می‌شود
- ۲۰۱ • بر خاکی از براده‌الماس و رعشه‌درد
- ۲۲۷ • شعر تو قلب جهان را لمس می‌کند
- ۲۷۷ • بذا خلیق دو کلمه حرف بزین
- ۲۸۹ • دیالوگ طهرونی در رومانی، قزاق‌ها در پامنار
- ۳۱۱ • جادوی آن صدای غریب
- ۳۲۵ • پیش از آنکه خشم صاعقه خاکسترش کند
- ۳۴۷ • در آینه
- ۳۷۵ • پیوست‌ها
نامه‌هایی منتشرشده از احمد شاملو به:
- ۳۷۷ احسان یارشاطر
- ۳۸۰ حسن فیاد
- ۳۸۹ حسین قاضیان
- ۳۹۱ علیرضا اسپهبد
- ۳۹۳ کلارا خانس
- ۳۹۷ متن سخنرانی در کنفرانس مشترک دانشگاه پرینستون و انجمن قلم امریکا
- ۴۰۰ گزارش هیئت ژوری جایزه‌ واژه آزاد
- ۴۰۲ وصیت شاملو درباره‌ سرپرستی و حق‌التألیف آثارش
- ۴۰۴ نامه‌ بدالله رؤیایی به سعید پورعظیمی
- ۴۰۷ نامه احمد کریمی حکاک به سعید پورعظیمی
- ۴۱۱ یادداشت‌ها و توضیحات جا افتاده در مجموعه اشعار شاملو و یک ترانه
- ۴۲۳ نظر در تو می‌کنم ای بامداد
- ۵۰۵ نمایه

❖ خانم آیدا سپاسگزارم که پیشنهادم را برای گفت‌وگویی دربارهٔ احمد شاملو قبول کردید.
❖ در خدمتم. امیدوارم این گفت‌وگو و مسائلی که در آن مطرح خواهد شد در شناخت بیشتر شاملو و زندگی پُرفراز و نشیبش سودمند باشد.

❖ همین‌طور خواهد بود. بیشتر از پنجاه سال از ازدواج شما با شاملو می‌گذرد. سی و هشت سال همدم و هم‌چراغش بودید و آنچه از ابعاد شخصیتی و زندگی او می‌گویید اهمیتی یگانه دارد. اگر موافقت با روزگار کودکی و احوال خانوادگی شما شروع کنیم.
❖ بفرمایید.

❖ شاملو در شعر «هاسمیک» در ستایش مادر شما گفته:

بلور سرانگشتانت که ده هلالکِ ماه بود
در معرض خورشید از حکایتِ مردی می‌گفت
که صفای مکاشفه بود
و هراسِ بیشهٔ غربت را
هیجا به هیجا
دریافته بود.^۱

۱. مجموعه آثار، دفتر یکم: شعرها، در آستانه، تهران، زمانه و نگاه، ۱۳۸۰، ص ۹۶۵.

این شعر به مهاجرت نیاکان شما اشاره دارد؟

بله، اجداد ما در دوره حکومت شاه عباس از ارمنستان به جلفای اصفهان و تبریز و دیگر شهرهای ایران کوچ داده شده بودند. پدرم، آشوت سرکیسیان، در تبریز متولد شده و مادرم، هاسمیک خاچاتور سرکیس، در جلفا.

نام خانوادگی مادرتان خاچاتور سرکیس است یا سرکیس؟

خاچاتور سرکیس. خاچاتور نام پدر بزرگ مادرم است و سرکیس نام پدرش.

کجا یکدیگر را می بینند؟

پدرم در جلفا با مادرم آشنا می شود و سال ۱۳۱۷ ازدواج می کنند و می روند کرمانشاه.

چرا کرمانشاه؟

به خاطر مأموریت های پدرم در شهرهای مختلف بودیم: کرمانشاه، شاهرود، رشت و هشت سال اصفهان بودیم؛ ولی چند بار مأموریت آبادان را قبول نکرد.

برای چه؟

می گفتم زن و بچه ام را در آن آتش نمی برم؛ در حالی که حقوق و مزایای بالا هم داشت، ماشین و راننده شخصی؛ ولی پدرم می گفت بچه ها باید بیرون بازی کنند، ورزش کنند.

شغل پدرتان چه بود؟

حسابدار شرکت نفت بود و بعد از سال ها شد رئیس حسابداری شرکت نفت در اصفهان و بعد تهران.

پدر و مادرتان اهل مطالعه یا نوشتن بودند؟

ادبیات زبان ارمنی را می خواندند، پدرم ادبیات انگلیسی هم می خواند. زبان انگلیسی را بلد بودند. اخبار انگلیسی گوش می دادند. روزانه مرتب برای ما روزنامه می آمد. مادر اهل مطالعه بود. قصه هایی برای کودکان نوشته که بعد از درگذشتش در بین وسایل شخصی اش در خانه پیدا کردیم. مادرم زیاد به خودش نمی پرداخت، همه چیز او خانواده بود.

شما در کدام شهر به دنیا آمدید؟

کرمانشاه.

چه روز و سالی؟

بیست و دوم آبان ۱۳۱۸؛ اما من هزار سالم است...

فرزند چندم خانواده اید؟

فرزند اول. سه خواهر دیگر و یک برادر هم دارم. خواهرانم: آنوش، کارمن، آروسیک و برادرم، رافی. رافی نام یکی از بزرگ ترین نویسندگان آرامنه است.

نام شناسنامه ای شما ریتا آتانس سرکیسیان است. شاملو شما را «آیدا» می نامید و همه جا به نام «آیدا» خوانده می شوید. اسم آیدا از کجا آمده؟

اسمی است که خودم از کودکی انتخاب کردم. در خانه و مدرسه و بین فامیل و دوستان و آشنایان همه جا به همین اسم صدا می زدند.

چرا این اسم را انتخاب کردید و به ریتا ترجیح دادید؟

بچه بودم، خودم یادم نیست. مادرم گفت یک روز گفتی به من بگویند «آیدا».

شاملو شما را «آیش» یا «آیشکا» هم صدا می کرد و شما شاملو را «مدیش» یا «مدیشکا». معنای «آیشکا» چیست؟

«آیشکا» پسوند تحبیب است.

در چه زبانی؟

در روسی. این نام ها دو حرف اول اسم ما بود به علاوه پسوند تحبیب: «آی» اول اسم من است و «مد» هم آخر اسم احمد. برای ما فقط اسم نبود. گفتنی نیست، دو خطاب جادویی بود. احمد به خواهر من هم می گفت آنوشکا.

شاملو گاهی پسوند تحبیب فارسی را هم به این پسوند می افزود و می گفت آیشک.

بله.

این اسامی را شما ساختید یا شاملو؟

یادم نیست.